



کتابخانہ مجلس



■ از «لاپاتری» موسیو نورمان تا
«کوکب» شیخ الاسلام بہبہانی
پرتال جامع علوم انسانی

مروری بر مطبوعه‌های تاریخی ایران در کتابخانه مجلس (۲)

■ از «لاپاتری» موسیونورمان تا «کوکب» شیخ الاسلام بهبهانی

کار: گروه تحقیق

مسئول گروه: علیرضا حسینی پاکدهی

□ در شماره ۷ «مجلس و پژوهش» نخستین بخش از مقالات «مروری بر مطبوعه‌های تاریخی ایران در کتابخانه مجلس شورای اسلامی» از نظر گرامیان گذشت. در آنجا بیان داشتیم که:

از انتشار اولین روزنامه فارسی زبان تاکنون نزدیک به دو قرن می‌گذرد. طی این مدت، نشریات متعددی به فارسی در داخل و یا خارج از ایران منتشر شده‌اند. کتابخانه مجلس شورای اسلامی که بخشی از این مطبوعات را به عنوان اسناد تاریخی در خود جای داده است، یکی از مهترین کتابخانه‌های کشور و یکی از مراکز مهم تحقیقی - به ویژه در این زمینه - به شمار می‌رود. از اینرو در این نوشتار سعی بر این بوده است تا ابتدا روشن شود که از آغاز تا صدر مشروطه، چه مطبوعات و یا چه ویژگیها و خصوصیات در داخل کشور و یا به زبان فارسی در خارج از کشور منتشر می‌شدند و سپس کدامیک و چه شماره‌هایی از آنها در کتابخانه مجلس وجود دارد؛ در ضمن اطلاعاتی پیرامون آن دسته از مطبوعات و نشریات این دوره که در کتابخانه موجود نبوده‌اند، با استفاده از منابع و کتابهای موجود، ارائه می‌شود.

در این شماره، معرفی تعدادی دیگر از مطبوعات تاریخی ایران را بی می‌گیریم.

- لاپاتری

روزنامه «لاپاتری» به معنی «وطن» در تهران، به زبان فرانسه و به مدیریت «بارون لوئی دونورمان»، تنها در یک شماره منتشر شده و آن نیز به تاریخ ۹ محرم ۱۲۹۳ قمری بوده است. دکتر حمید مولانا درباره چگونگی این روزنامه توضیح می‌دهد که ناصرالدین شاه ضمن سفر به اروپا به نقش مطبوعات در امور سیاست خارجی پی برد و به فکر افتاد که روزنامه‌ای به زبان فرانسه در تهران منتشر کند و از این طریق اخبار و عقاید دولتی را به میان خارجیان و ایرانیان روشنفکر ببرد. به دستور شاه، وزارت خارجه ایران، روزنامه‌نگار و سردبیری به نام «بارون لوئی دونورمان» را از پاریس دعوت کرد و تصمیم به انتشار روزنامه‌ای به زبان‌های فارسی و فرانسه گرفت. «مسیو نورمان» در سال ۱۸۷۶ وارد تهران شد و روزنامه‌ای به نام «لاپاتری» یا «وطن» در تهران منتشر کرد. اولین شماره این روزنامه به تاریخ ۵ فوریه ۱۸۷۶ منتشر شد و سرمقاله روزنامه به اهمیت آزادی مطبوعات و تأثیر روزنامه‌نگاری در پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی اختصاص یافت. «مسیو نورمان» بی‌آنکه وضع حقیقی داخلی ایران را در نظر بگیرد، دعوت سلطان و قرار روزنامه‌نگاری در ایران را بسیار جدی گرفت و به روش اروپایی سرمقاله مستقل و آزادیخواهانه‌ای نوشت که با محیط استبداد آن زمان به هیچ وجه سازگاری نداشت و نتیجه این بود که اولین شماره «لاپاتری» آخرین شماره این روزنامه شد و چند روز

بعد به دستور شاه قرارداد این روزنامه‌نگار با دولت ایران خاتمه پیدا کرد و از انتشار شماره دوم روزنامه جلوگیری شد، دولت ایران حقوق سه ساله «مسیو نورمان» را طبق قرارداد پرداخت و اجازه اقامت او را لغو کرد و این شخص به اروپا بازگشت. (۱)

مولانا اضافه می‌کند که تجربه انتشار «لاپاتری» خیلی تلخ بود. درحقیقت این اولین روزنامه‌ای بود که تا آن تاریخ به طور مستقل تحت نظر روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران منتشر می‌شد و از افکار آزادیخواهانه به طور رسمی سخن می‌گفت. ولی حکومت استبدادی و محافظه‌کار ناصرالدین شاه با افکار متجدد و آزاد این روزنامه سازش نکرد. اختلاف بین این دو اجتناب‌ناپذیر بود.

از تنها شماره روزنامه مزبور در کتابخانه مجلس هیچ اثری نیافتیم و منابع موجود نیز طلب دیگری که اهمیت خاصی برای نقل آن در این نوشتار وجود داشته باشد، مطرح نکرده‌اند.

- نظامی (نظامی علمیه و ادبیه)

مولانا در صفحه ۹۷ اثر خود به روزنامه «نظامی» اینگونه اشاره می‌کند که بین سالهای ۱۸۷۶ و ۱۸۷۹ دو روزنامه دولتی در تهران منتشر شد که «اطلاع» و «نظامی» نام داشتند. او می‌افزاید: روزنامه «نظامی» پس از مدتی جای خود را به روزنامه دیگری به نام «مریخ» داد. صدراعظمی نیز درباره روزنامه «نظامی» می‌نویسد: «روزنامه نظامی علمیه و ادبیه در سال ۱۲۹۳ قمری از طرف میرزا حسین خان سپهسالار در تهران تأسیس و

کتابخانه

نسبتاً ریزی نوشته شده است. در طرف راست این تصویر تاریخ انتشار به سال میلادی و همچنین قیمت یک طغری روزنامه «یکعباسی» و قیمت اعلان «سطری دهشاهی» درج شده و در طرف چپ به غیر از نمره اول، این عبارت قید شده است: «هر کس اخبار و تحقیق علمی بدرالطباعه همایونی بفرستد در این روزنامه به اسم خود او نوشته می‌شود».

در صفحه اول از شماره اول این روزنامه، تحت عنوان «اعلان» مطلبی آمده که بخشی از آن چنین است: «... مطلقاً منظوری از طبع و انتشار آن نیست مگر فایده و منفعت عمومی و ترقی در مدارج کمالات و تربیت و مزید اطلاعات در افراد اهالی این ملت باسعادت و...»

در شماره اول علاوه بر مطالب فوق، مطلب دیگری تحت عنوان «مسافرت چند انگلیسی به قطب شمال (جغرافیا)» و مطلبی دیگر تحت عنوان «تحقیق در علم اخلاق» و در صفحه آخر نیز مطلبی با عنوان «اطلاعات جغرافیایی یا مقدمه» چاپ شده است. در صفحه اول این روزنامه در شماره اول، پس از «اعلان»، «اخبار مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه» و در پاورقی آن نیز «ترجمه تاریخ حمزه ابن حسن اصفهانی موسوم بکبارالامم» نوشته شده است.

روزنامه «علمی» هفتگی و مطالب آن بیشتر مربوط به علوم تاریخ، جغرافیا و علم اخلاق بوده است و در آن به طور استثنائی

در مدرسه «اقا مآزر» نشر می‌شده است. شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۹ ذی‌القعدة ۱۲۹۳ قمری انتشار یافته و گویا تا سال ۱۲۹۶ قمری دایر بوده و در آن سال روزنامه «مریخ» جانشین آن شده است»

رضا مرزبان که یادهاشتهای پایانی کتاب مولانا را تهیه کرده است، به نقل از «محیط طباطبایی» در صفحه ۲۳۶ این کتاب می‌نویسد: «درحقیقت سه موضوع مربوط به روزنامه‌نگاری که در ایران بی‌سابقه بود با انتشار نظامی خاطر نشان گردید: قید عدم دولتی بودن نشریه، درخواست شرکت مردم در تحریر مقالات و تشکیل هیأت تحریریه. روزنامه نظامی از ذی‌قعدة ۱۲۹۳ تا ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ به طور هفتگی انتشار می‌یافت و در این ماه به سبب نامعینی تعطیل شد...»

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ما به هیچ نسخه‌ای از این روزنامه دسترسی پیدا نکردیم.

- علمی

روزنامه «علمی» در تهران در ۲۲ ذی‌الحجه ۱۲۸۳ قمری برابر با ۱۸۶۷ میلادی توسط «محمد حسن خان صنیع‌الدوله» ملقب به «اعتمادالسلطنه» منتشر و جمعاً ۶۴ شماره در چهار صفحه با خط نسخ در مطبعه سنگی طبع و منتشر شده است. سرلوحه روزنامه علمی، فرشته بالدار است که در مقابل آن کتابی مفتوح و در یک صفحه آن جمله «قال النبی انا مدینه» و در صفحه دیگر «العلم و علی بابها» به خط

قیمت اشتراک سالانه آن دوتومان در دو قسط و درخارج اصفهان به آن اجرت پست افزوده می شده است. قیمت اعلانات آن نیز سطری یک هزار دینار ذکر شده است.

در زیر عنوان روزنامه این عبارت دیده می شود: «درانی اخبارنامه از سیاست و اصلاحات ملکیه و علوم و صنایع نصایح و تجارت و فلاحت نوشته می شود» در این روزنامه ابتدا اخبار داخله (اصفهان) و سپس سایر نواحی ایران و در ادامه آن اخبار سایر نواحی خارج از کشور می آمده و اخبار داخلی آن بیشتر محدود و منحصر به اخبار اصفهان بوده است.

در شماره های زیادی این روزنامه مطلبی تحت عنوان «موازنه علم و جهل» به صورت مسلسل آمده است که قسمتی از آن از شماره ۶۵ آن به تاریخ ۱۷ شوال ۱۲۹۷ هجری چنین است: «آیا باز شدن چشم بصیرت دیوانگی می آورد یا دانشمند بودن آدمی را احق می کند. دریک شخص باخرد اگر این صفات مذمومه بد پیدا شود البته نتیجه علم نخواهد بردن بلکه از تقاضای فطرت او باید دانست هرگاه همان شخص حامل و عوام می ماند، اصلاح حالش مشکلتر می شد. حکمرانان جبر و ظلم در ازمنه سالفه به علت ملتفت نشدن به منافع معنویه خود اغراض نفسانیه رعایا را مانند گله گوسفند پیش انداخته به کارهای مشقت آمیز و می داشتند. چون که اهل دانش و علم اسارت و حقارت را وجهاً من الوجوه متحمل نمی شدند، لهذا همیشه در ظلمت جهل و نادانی ماندن آنها را طالب بودند ...»

طرحهایی دیده می شود.

تا شماره هیجدهم، این روزنامه به تاریخ چهاردهم شهر جمادی الاول ۱۲۸۴ هـ - ق فقط اخبار علمی را چاپ می کرده است، ولی در این شماره در صفحه آخر آمده است: «اگرچه اخبار دول و وقایع جنگ را مناسبت با روزنامه علمی نیست اما نظر به عظمت سانحه حادثه مابین دولتین روس و عثمانی و توجه عمومی باستطلاع از امور اتفاقیه فیما بین دولتین مزبورترین و بعضی اخبار عمده دیگر از دول بسیاری از مطالعه کنندگان خواهش کرده اند از این نمره اخباری که بواقعه مسطوره و غیره می باشد و در هر هفته بمطبعه علمیه میرسد چه از راه قفقاز و چه از سایر طرق در ذیل این صحیفه ستیه ثبت نماید که موجب استغای کامل و بهره و اطلاع وافی مطالعه کنندگان گردد امتثال را اقدام نموده اخبار موصوله را در ذیل درج نموده. از شماره پنجاه و یکم، تصویر کودک یا «فرشته بالدار» حذف و جای آن را «روزنامه علمی» به صورت درشت و نمایان تر گرفته است. در کتابخانه مجلس از این روزنامه از شماره ۱ تا شماره ۶۳ موجود است.

- فرهنگ

روزنامه «فرهنگ» در اصفهان به مدیریت «میرزا تقی خان سرتیپ» تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه به قطع بزرگ در مطبعه سنگی «دارالطباعة دروازه دولت» طبع و در تاریخ دوم جمادی الاول ۱۲۹۶ هـ ق برابر با ۲۴ آوریل ماه ۱۸۷۹ مسیحی منتشر شده است. این روزنامه هفته ای یک بار روزهای پنجشنبه طبع و منتشر می شد و

از روزنامه مزبور در کتابخانه مجلس شورای اسلامی از شماره ۶۰ از سال دوم تا شماره ۷۵۹ البته به طور خیلی ناقص که تا سال پانزدهم انتشار آن را دربر می‌گیرد وجود دارد.

- مریخ

روزنامه «مریخ» به طور ماهانه منتشر می‌شده و دارای اخبار و مطالب مربوط به جنگها و مسائل نظامی بوده است و در آن از مقالات ادبی، سیاسی و اجتماعی خبری نیست (به جز مقالات متفرقه که اشخاص برای روزنامه می‌فرستاده‌اند و به نام آنها چاپ می‌شده است). قیمت آن سالانه نه هزار شاهی و در سه قسط قید شده و قیمت اعلان آن نیز سطری پنجشاهی در وسط و بالای صفحه نام روزنامه به صورت درشت «مریخ» آمده است. در سمت چپ عنوان روزنامه نیز آورده است: «دارالطباعة خاصه در ارک همایون». و سپس در زیر آن: «هرکس اخباری مفید به اداره نظامی بفرستد به اسم خود او نوشته می‌شود». در زیر عنوان اصلی روزنامه، در یک سطر به طور خلاصه فهرست مطالب هر شماره چاپ شده است. افزون بر این به جز نام روزنامه، سایر مطالب آن به خط خوش و زیبایی به شیوه نستعلیق نوشته شده است. در پایان هر شماره نیز «رنیس کل دارالطباعة و دارالترجمه ممالک محروسه ایران - صنایع الدوله محمدحسن» آمده است که سمت مدیری و اداره آن را توسط وی

می‌رساند. آخرین شماره موجود در کتابخانه مربوط به چهارشنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۹۷ هجری قمری برابر با ۲۶ مه ۱۸۸۰ میلادی است که در واقع شماره ۱۸ آخرین شماره منتشر شده از این روزنامه است و مولانا درباره «مریخ» یاد آور می‌شود که این روزنامه جایگزین روزنامه دیگری به نام «نظامی» شده است و چون خواننده زیادی پیدا نکرد پس از مدتی تعطیل شد. وی به مطلب دیگری درباره این روزنامه اشاره نکرده است.

صدرهاشمی زمان انتشار شماره اول این روزنامه را به تاریخ دوشنبه پنجم محرم ۱۲۹۶ هجری برابر با ۳۰ دسامبر ۱۸۷۸ مسیحی ذکر کرده است.

وی منظور از تأسیس این روزنامه را درج وقایع و تواریخ نظامی و همچنین ضبط برخی مطالب علمی و اموری که انتشار آنها برای اطلاع ایرانیان لازم بود، می‌داند و به نقل از شماره آن زیر عنوان روزنامه اینگونه می‌آورد: «این روزنامه مریخ حاوی وقایع رسمیه نظامی دولت علیه ایران و ترجمه تلگرافهای رسمیه دول و جامع بعضی فصول مرتبطه به انتشار علوم تداوله در فرنگستان و غیره و برخی مطالب که راجع به مدنیت و حقوق انسانیت است می‌باشد» و در ذیل تاریخ قیصره رومیة الکبری که تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده و در خاتمه جنگ آخر که مابین دولتین روس و عثمانی روی داده مسطور است.» در میان «مجموعه» های موجود در

کتابخانه مجلس شورای اسلامی ماه شماره دوم به بعد این روزنامه بر خورد کردیم که شماره دوم آن در تاریخ چهارشنبه ۲۱ محرم ۱۲۹۶ برابر با ۱۵ ژانویه ۱۸۷۹ م در چهار صفحه منتشر شده است.

- تجارت

مولانا در صفحه ۹۷ کتاب «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» به برخی از روزنامه‌های دولتی در زمان بیست سال آخر سلطنت ناصرالدین اشاره و از جمله آنها از «جریده تجارت» یاد می‌کند. وی تاریخ انتشار آن را ۱۸۸۰ میلادی ذکر کرده ولی توضیح بیشتری درباره آن نداده است، و ما نیز به هیچ نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس دسترسی نیافتیم. لیکن صدرهاشمی در ذیل «جریده تجارت» یاد آور می‌شود که در سال ۱۲۹۷ قمری روزنامه‌ای در تهران به نام روزنامه «تجارت» از طرف دولت تأسیس شد و کفالت آن به عهده نایب السلطنه بود و مندرجات آن، گزارشات مربوط به وضع اقتصادی و امور بازرگانی بوده است و به خط نسخ و با چاپ سنگی منتشر می‌شده است.

- اطلاع

اولین شماره روزنامه «اطلاع» به تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۹۸ هـ ق مطابق با ۲۸ مارس ۱۸۸۱ میلادی منتشر شده و به کسانی که روزنامه دولتی «ایران» را مشترک بوده‌اند، به صورت مجانی به همراه آن داده می‌شده است. این روزنامه در «دارالخلافه تهران» انتشار می‌یافته و یک روزنامه دولتی بوده است. قیمت سالانه آن در تهران ۱۸ هزار و در

ولایات، ۱۹ هزار و پنج‌شاهی ذکر شد و قیمت اعلام نیز سطری یک هزار دینار بوده است.

روزنامه «اطلاع» یک روزنامه سیاسی به مفهوم آن روز بود و برای کسانی که می‌خواستند از اوضاع سیاسی و حوادث اروپا و آمریکا و به طور کلی از اتفاقات نیم قرن زمان انتشار آن در کشورهای جهان اطلاع حاصل کنند مجموعه و مدرک مناسبی محسوب شده است. صدرهاشمی در این باره می‌نویسد: «چون تاکنون این سبک روزنامه یعنی اختصاص مندرجات روزنامه به حوادث و وقایع خارجی در بین مطبوعات این کشور سابقه نداشته، می‌توان روزنامه اطلاع را در میان جراید فارسی بی‌نظیر دانست. این روزنامه فقط یک مقاله مربوط به حوادث داخلی دارد که مربوط به قتل ناصرالدین شاه است و در شماره ۳۹۳ مورخ شنبه ۳ ذی‌حجه ۱۳۱۳ قمری با عنوان «قضیه عظمی» منتشر شده است لیکن این شیوه تا پایان انتشار آن ادامه نیافته است و مطالب مربوط به ایران نیز در آن چاپ می‌شده است».

درباره نوع مطالب آن، در زیر عنوان روزنامه که در وسط و بالای صفحه اول قرار داشته است، در دو سطر چنین آمده است: «این روزنامه به کلی آزاد است و حاوی همه نوع مطالب سیاسی و تجاریه و علمیه و وقایع و اخبار مختلفه عالم می‌باشد و هرگونه مطلب و ارتیکل مفیدی نیز هر کس بآدر اطلاع بفرستد نوشته می‌شود».

نام مدیر روزنامه در هیچ کجا ذکر نشده است، ولی بانوجه به اینکه روزنامه‌های

۱۳۲۴ ق می باشد نیز از شماره ۱۱- ۱.

- دانش

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
دوشماره از این روزنامه در «مجموعه ۹۶»
وجود دارد که شماره ۳ و ۸ این روزنامه
است و به ترتیب در تاریخهای دوشنبه اول
رمضان ۱۱۲۹۹ هجری برابر با هفدهم ژوئیه
۱۸۸۲ میلادی و ۱۶ ذیقعد ۱۲۹۹ ه ق
برابر با ۳۰ سپتامبر ۱۸۸۲ میلادی در
چهار صفحه منتشر شده اند.

این روزنامه دولتی بوده و در «دارالطباعه
خاصه علمیه در مدرسه مبارکه دارالفنون»
منتشر می شده و در ذیل عنوان «دانش» در
دو سطر کاملاً تو در تو در هم ریخته این
مجلات قید شده است: «روزنامه دانش
ماهی دو مرتبه طبع و مجانا تقسیم می شود
و هر کس اخبار و اطلاعات مربوط به علوم
و تربیت منوط باشد به اداره وزارت علوم
بفرسد به اسم و رسم نوشته خواهد شد».

صدرهاشمی درباره این روزنامه چنین
یادآوری می کند که «علیقلیخان مخبرالدوله»
وزیر وقت علوم و رئیس مدرسه دارالفنون
در سال ۱۲۹۹ ه ق در تهران آن را تأسیس
کرده است و اولین شماره آن به تاریخ ۲۳
رجب ۱۲۹۹ و آخرین شماره آن در تاریخ
۱۶ صفر ۱۳۰۰ قمری منتشر شده است. وی
جمع شماره های آن را ۱۴ شماره می داند.

در شماره ۳ دانش در صفحه سوم مطلبی
با عنوان «مطلبی است که در تحقیق فواید

دولتی در زمان مزبور توسط وزیر انطباعات
منتشر می شده است، می باید مدیر آن
«محمدحسن خان ضیح الدوله» وزیر
انطباعات وقت بوده باشد. این روزنامه
معمولاً هر دو هفته یک بار در چهار صفحه و
در هر صفحه سه ستون منتشر می شده است.
در شماره اول این روزنامه بدون اینکه
سرمقاله ای وجود داشته و غرض و هدفی
از انتشار آن قید شده باشد در حقیقت با این
عنوان شروع می شود: «پلیتیک»، که کمی
برجسته تر از متن مطلب بوده و پس از آن به
حروف معمولی روزنامه آمده است: «مسأله
تعیین حدود یونان و عثمانی و حق عمومی
فرنگ در این مسأله» و در ادامه آن چنین
می خوانیم: «بدون اینکه ما چندان در عقاید
پلیتیکه حسن ظنی داشته باشیم از روش کار
چنین استنباط می کنیم که این مسئله به طرف
صلح مایل می باشد نه به جانب جنگ و چیزی
که بیشتر ما را اطمینان به صلح می دهد
پذیرفتن دول فرنگ رأی جناب مسیو
بارطلمی هیلر وزیر امور خارجه فرانسه
است...»

شماره اول از سال اول این روزنامه در
«مجموعه ۹۶» و به صورت جداگانه در چند
قسمت از این روزنامه شماره های زیر در
کتابخانه مجلس وجود دارد: از محرم ۱۳۰۰
تا جمادی الاول ۱۳۱۷ ق از شماره ۴۹۱ -
۴۸ و از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ از شماره ۴۶۶ -
۱۵۵ و از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۹ از شماره ۵۵۱ -
۳۳۰ و از سال بیست و نهم آن که مربوط به



همیشه در خاطر داشت که بتجدید آن رسم پردازد و مجدداً اداره روزنامه مصوری دایر سازد که اقلاً ماهی یک نمره طبع شود و مخصوص باشد به رسم صدراعظم این مملکت و ... اگرچه روزنامه مصور سابق دولتی بود و اینکه حالا بالطبع آن اقدام می‌نمائیم غیر دولتی است ولی من‌البدو الی‌الختتم سمت رسمیت دارد و از قید آزادی خارج و بر چهار صفحه که دارای دو تصویر می‌باشد و از آنجا که مخصوص نگارش شرح حال بزرگان عالمست آن را موسوم به شرف می‌نمائیم رجاء واثق آن که مستطوع و مقبول رجال دولت علیه دانشمندان مملکت گردد.

ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه. باتوجه به این که دراعلان فوق اشاره شده که روزنامه در ۴ صفحه باشد، لیکن شماره ۲۹ آن در ۸ صفحه و شماره ۶۴ آن در ۶ صفحه منتشر شده است. این روزنامه به مدیریت و امضای «محمدحسن» ملقب به «اعتمادالسلطنه» و به نقاشی «ابوتراب غفاری» منتشر می‌شده است. آخرین شماره روزنامه «شرف» به شماره ۸۷ مورخ ۱۳۰۹ قمری بدون ذکر ماه انتشار یافته است و تمامی شماره‌های آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

- اردوی همایونی
روزنامه «اردوی همایونی» قبل از آن که به این نام موسوم شود با اسمی «مرآت‌السر» و پس از چند شماره با اضافه شدن کلمه «مشکوة‌الحضر» منتشر می‌شده است و از سال ۱۳۰۰ قمری تبدیل به

علم و دانش نوشته‌اند» آمده است که قسمتی از آن چنین است: «فواید تربیت و نتایج معرفت اظهار من الشمس است و هیچ صاحب نظری از ادراک انوار زاهره آن چشم نمی‌تواند پوشید و قطع نظر از براهین عقلیه بر هر ذی‌شعوری ثابت و مبرهن است که گوهر گرانبهای معرفت را تا چه حد مایه و مقدار و دارای آن را تا چه اندازه پایه اعتبار است...»
مندرجات روزنامه دانش بیشتر اخبار وزارتخانه‌های مختلف و مباحث علمی است و به علاوه هر شماره دارای پاورقی است و در هیچ جا اسمی از مدیر روزنامه نیست.

- شرف

اولین شماره روزنامه «شرف» در اول محرم سال ۱۳۰۰ هـ ق منتشر شده و در زیر عنوان روزنامه این عبارت آمده است:

«این روزنامه شریفه ماهی یک نمره به طبع می‌رسد. قیمت نسخه یک قران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار» و در صفحه اول آن جز تصویری بزرگ از ناصرالدین شاه، هیچ نوشته یا تصویر دیگری وجود ندارد.

در ابتدای صفحه دوم تحت عنوان «اعلان» و به امضای «ناصرالدین شاه» چنین آمده است: «روزنامه مصور که در اغلب دول فرنگ معمول و سابق هم چندی در دولت علیه سجلیه طبع می‌رسید و به واسطه بعضی عوایق متروک شد این مدت که اداره کل مطبوعات ممالک محروسه ایران مفوض به این بنده است و چندین روزنامه رسمی و پلیتکی و علمی و تجارته و غیررسمی در طهران و سایر بلاد طبع و منتشر می‌شود

«اردوی همایونی» شده است که به طور کلی مطالب آن شامل ثبت حوادث و وقایع و گزارش های سفر ناصرالدین شاه است که به امر ناصرالدین شاه، «محمدحسن خان صنیع الدوله» ملقب به «اعتمادالسلطنه» آن را تهیه کرده است. به عقیده صدر هاشمی، روزنامه «مرآت السفر و مشکوةالحضر» جمعاً سیزده شماره منتشر شده و از سال ۱۳۰۰ که به «اردوی همایونی» تغییر نام داده نیز جمعاً ۱۲ شماره منتشر شده که شماره اول آن در دماوند به تاریخ ۱۱ شعبان ۱۳۰۰ ق. و آخرین آن ۱۲ ذیحجه ۱۳۰۰ ق. انتشار یافته است.

از روزنامه «اردوی همایونی» نسخه ای در کتابخانه مجلس یافت نشد، لیکن از «مرآت السفر و مشکوةالحضر» چند شماره در کتابخانه وجود دارد که به طور مستقل در صفحات آینده اشاره خواهیم کرد.

- شرافت

شماره اول روزنامه «شرافت» به تاریخ صفرمظفر ۱۳۱۴ به سبک و روش روزنامه «شرف» منتشر شده است. در صفحه اول در زیر عنوان «شرافت» آمده است: «این روزنامه شریفه ماهی یک نمره به طبع می رسد قیمت نسخه یک قران، سالیانه یک تومن و دو هزار دینار». باقیمانده صفحه را عکسی بزرگ از مظفرالدین شاه پوشانیده است. در ابتدای صفحه دوم تحت عنوان «اعلان» چنین آمده است: «روزنامه مصور

موسوم به شرف مبتنی بر ترجمت احوال و رسم صدور اشکال اعظام و اشرف رجال که از سنه هزار و سیصد هجری تا چهارسال قبل دایر و رونق افزای عالم مطبوعات ایران بود و از آن پس به واسطه بعضی موانع و عوایق ترک و تعطیل شد... از طرف قرین اشرف همایون امر و اشارت رفت که دوباره روزنامه مصوری ایجاد و منطبع گردد... و چون این نخست روزنامه ای است که در عهد معدلت مهد همایون به مبارکی احداث و ایجاد و شرافت بخش عالم مطبوعات شده است لهذا آن را به نام (شرافت) موسوم داشتیم و عجله ماهی یک نمره به طبع خواهد رسید و نمره اول تیمناً و تشرفاً افتتاح ... مجول الله تعالی و حسن تائیده مظفرالدین شاه قاجار خلدالله تعالی ملکه و سلطانه».

شماره اول این روزنامه در ۸ صفحه و اکثر شماره های بعدی آن در ۴ صفحه منتشر شده است. در پایان هر شماره نام «اعتمادالسلطنه، محمد باقر» آمده است که مدیریت وی بر روزنامه را می رساند.

از روزنامه «شرافت» از شماره ۱ تا ۶۶ مربوط به سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ ه ق در کتابخانه موجود است که به طور مسلسل صفحات آنها به ۲۷۴ ختم می شود. این روزنامه پس از انتشار شماره شصت و پنجم به تاریخ صفر ۱۳۲۰ تعطیل و سپس در شوال ۱۳۲۱ شماره ۶۶ آن منتشر شده است و تصاویر آن نیز به قلم «مصورالملک»

بوده است.

- عروۃ الوثقی

ابتدا باید خاطر نشان کنیم که این روزنامه در حیطه این نوشتار نیست، چرا که به زبان عربی و در خارج از ایران منتشر می شده است، ولی از آن جا که از روزنامه های بسیار مهم است، درباره آن نیز توضیحاتی می دهیم. عروۃ الوثقی توسط «سیدجمال الدین اسدآبادی» با همکاری یکی از نویسندگان و دانشمندان مصری به نام «شیخ محمد عبده» به زبان عربی در پاریس منتشر شد و در آن حکومت های استبدادی ایران و عثمانی و مصر به شدت زیر انتقاد قرار گرفتند. این روزنامه در اکثر ممالک عربی و در خاورمیانه منتشر می شده و سخنگوی عقاید «سیدجمال» و طرفدارانش بوده است. در ایران نیز پخش این روزنامه از طرف ناصرالدین شاه ممنوع شد و در هندوستان هم فرمانروای انگلیس از انتشار آن جلوگیری کرد. چندسالی که سید جمال الدین به انتشار «عروۃ الوثقی» مشغول بود شهرت او در جراید و مطبوعات اروپایی افزایش یافت و به عنوان رهبر بزرگ «اتحاد اسلام» معروف شد. مولانا به نقل از «سرسکای» مورخ انگلیسی، یادآور می شود که مندرجات این روزنامه در ناصرالدین شاه اثری شدید برجای گذاشت و به سال ۱۸۸۶ به سیدجمال الدین اجازه ورود به ایران داده شد و مدتی نیز طرف مشورت ناصرالدین شاه بود، ولی به توصیه درباریان، شاه پس از مدتی کوتاه دستور اخراج او را صادر کرد و سید عازم روسیه شد.

- فره وهر

صدرهاشمی درباره روزنامه «فره وهر» می نویسد که در تهران و به مدیریت «خدایرحم آبادیان» تأسیس و شماره اول از سال اول آن در تاریخ ۲۸ ولو ۱۳۰۱ مطابق سلخ جمادی الثانی منتشر شده است. این روزنامه از انتشارات زرتشتیان بوده و در عنوان آن، بالای اسم روزنامه تصویر «فره وهر» چاپ شده است. طرز انتشار آن هفتگی و بهای آن سالانه در داخل کشور ۲۵ قران و ششماهه ۱۵ قران و تک نمره هفت شاهی ذکر شده است.

شماره اول روزنامه در هشت صفحه و به قلم وزیر بزرگ در مطبعه «فاروس» تهران چاپ شده و مقاله افتتاحی آن به این قرار است: «فکر ماه در این زمان که ملل و دول مختلفه روی زمسین با سرعت محیرالعقولی مشغول درک وسائل و اسباب تهیه ارتقاء و پیشرفت صوری و معنوی خود می باشند فی الحقیقه وجود روزنامه جات مقتدرترین عوامل و سفیدترین وسائل است از برای نیل به مقصود...» صدرهاشمی اضافه می کند که مندرجات روزنامه بیشتر مطالب مربوط به زرتشتیان است و از این روزنامه تا شماره ۲۴ از سال اول را در اختیار دارد. اما در کتابخانه مجلس نسخه ای از این روزنامه موجود نیست.

- مدرس فارسی

مجله «مدرس فارسی» به نوشته دکتر مولانا در کلکته هندوستان به طور ماهانه و در سال ۱۸۸۳ به مدیریت و سردبیری «خان بهادر و منشی و پسران» منتشر می شده است.

است: «... در مدت بیست سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۹۶ - ۱۸۷۶) از میان قریب دوازده روزنامه مختلف فقط یک روزنامه به نام «مدنیت» غیر دولتی بود که از طرف اقلیت ارمنه، هر دو هفته یک بار در تبریز منتشر می شد...»

صدرهاشمی نیز درباره این روزنامه یادآور می شود که در شهر تبریز و به مدیریت «آژانس ارمنه» ملقب به «صدرا»، با چاپ در سال ۱۳۰۱ قمری منتشر شده است و نمره دوم این روزنامه در ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۰۱ برابر با ۹ آوریل ۱۸۸۴ میلادی انتشار یافته است. وی به نقل از «تربیت» دوره انتشار این روزنامه را هفتگی ذکر کرده است که با گفته مولانا متفاوت است.

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ما به هیچ شماره ای از این روزنامه دسترسی نیافتیم، بنابراین می توانیم بگوئیم که در کتابخانه این روزنامه موجود نیست.

- آزاد

صدرهاشمی از روزنامه «آزاد» تحت دو عنوان جداگانه بحث کرده است. در مورد یکی از آنها اشاره می کند که در سالهای ۳ - ۱۳۰۲ در شهر دهلی هندوستان منتشر می شده است و با روزنامه «سیدالانخبار» که در همان زمان در «حیدرآباد دکن» منتشر می شده، وارد مبارزه قلمی شده است لیکن توضیح بیشتری درباره این مورد نمی دهد. ولی در مورد دوم می نویسد: «روزنامه آزاد

لیکن صدرهاشمی محل چاپ آن را شهر بمبئی ذکر کرده و می افزاید که در سال ۱۳۰۰ قمری و به دو زبان فارسی و انگلیسی چاپ می شده است. قسمت فارسی آن با چاپ سنگی و قسمت انگلیسی آن با الفبای کتابی طبع شده است. درباره مندرجات مجله «مدرس فارسی» صدرهاشمی می نویسد که عبارت از دستور زبان فارسی و ادبیات و حکایات فارسی و ضرب المثل و داستانهای کوچک بوده است. شماره اول این مجله در تاریخ سه شنبه اول ژانویه ۱۸۸۳ میلادی طبع و توزیع شده و در هر شماره این شعر به عنوان شعار مجله چاپ شده است:

زلاف حمد نعمت اولی است بر خاک ادب خفتن
سجودی می توان کردن درودی می توان گفتن
مجله مدرس فارسی رویهمرفته سه سال در ۳۶ نمره منتشر شده و شماره آخر که شماره سی و ششم باشد در ماه دسامبر ۱۸۸۵ انتشار یافته است. هر نمره آن در ۱۶ صفحه و قیمت اشتراک سالانه آن برای کسانی که قبلاً وجه اشتراک را پردازند ۴ روپیه و برای کسانی که در پایان سال پرداخت نمایند ۵ روپیه بوده است.

مسا از مجله «مدرس فارسی» هیچ نسخه ای در کتابخانه مجلس نتوانستیم بیابیم و از این نظر می توان گفت که وجود ندارد.

- مدنیت

مولانا در صفحه ۹۷ اثر خود به نام «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» اشاره ای بسیار کوتاه درباره روزنامه مدنیت دارد که چنین

شماره این روزنامه ملی شدیم و از الطاف خداوندی و توجهات ملوکانه امیدواریم که موفق شویم و به اتمام و انجام این خدمت بزرگ موقتاً روزنامه آزاد هشت صفحه قرار یافته در حقیقت ضمیمه مفتاح الظفر است اگر چنانچه مشترکین محترم توجه فرمایند انشاء الله بر اوراق او و مفتاح الظفر افزوده وجه اشتراک آنچه معین است برقرار خواهد بود اسامی و کلاسی محترم را در نمرات آتی خواهیم نگاشت و ما توفیقی الا بالله» (۲)

صدرهاشمی می‌افزاید که مندرجات روزنامه «آزاد» پس از درج مقاله اساسی، عبارت از اخبار داخلی و خارجی و مکاتیب و اراده از شهرهای مختلف می‌باشد. متأسفانه از این روزنامه نیز هیچ شماره‌ای در کتابخانه مجلس موجود نیست.

- اکودوپرس

روزنامه «اکودوپرس» یا «صدای ایران» تحت نظر و سرپرستی دکتر «مورل» در تهران به زبان فرانسه تأسیس و منتشر شده است که شماره اول آن در ۱۳۰۲ قمری مطابق با ۱۲ مارس ۱۸۸۵ میلادی طبع شده و متوالیاً ادامه یافته است. به عقیده صدرهاشمی «اکودوپرس» دومین روزنامه‌ای است که در ایران به زبان فرانسه انتشار یافته است. از این روزنامه نیز در کتابخانه مجلس هیچ شماره‌ای وجود ندارد.

- مفرح القلوب

روزنامه «مفرح القلوب» در هند و کراچی هندوستان به زبان فارسی تأسیس و به طور هفتگی منتشر شده و بیشتر از سی سال

در شهر کلکته هندوستان به سرپرستی مدیر حبیل‌المتمین آقای مزید الاسلام و مدیر کل آن میرزا سیدحسن کاشانی تأسیس و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه به قطع وزیری یعنی همان قطع روزنامه حبیل‌المتمین با چاپ سنگی طبع و در تاریخ هشتم ماه ربیع‌الآخر ۱۳۱۷ قمری، مطابق با پانزدهم ماه آگوست ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است. این روزنامه ضمیمه روزنامه «مفتاح الظفر» مطبوعه کلکته بود و در ماه یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم طبع و توزیع می‌شده است و برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی بوده و برای دیگران، آبنونه سالیانه آن بدین قرار بوده است: هندوستان و برمه و خلیج فارس ده روپیه؛ ممالک محروسه ایران و افغانستان ۳۵ قران؛ چین و ژاپن و روسیه و اروپا ۲۵ فرانک؛ ممالک عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی.

محل اداره روزنامه، کلکته بوده و در عنوان روزنامه، یک سطر و به این قسم نوشته شده است که هدف از انتشار آن را بیان می‌کند: «این روزنامه هفته‌وار ملی در مسائل که راجع بملک و دولت باشد آزادانه بحث مینماید.»

در شماره اول از سال اول، صفحه یکم، ستون اول، شرحی تحت عنوان «شکر توفیق» راجع به پیدایش و انتشار روزنامه، نوشته شده که چنین است: «شکر توفیق، بعون‌الله و توفیقانه و باقبل بسیزوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناه السلطان مظفرالدین شاه قاجار خلاصه ملکه و سلطانه موفق باجرای اولین

انتشار آن تداوم یافته است. آغاز تأسیس آن را صدرهاشمی ۱۲۷۲ قمری ذکر کرده که تا حدود سال ۱۳۰۲ قمری منتشر می‌شده است، لیکن مولانا در صفحه یکصد و چهار اثر خود «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» تاریخ تأسیس این روزنامه را ۱۸۸۵ میلادی ثبت کرده که برابر با ۱۳۰۳ قمری می‌شود بنابراین میان یادداشت‌های صدرهاشمی و مولانا در این باره اختلاف وجود دارد.

صدرهاشمی می‌نویسد که اسم روزنامه به خط نسخ در مرعی نوشته شده و اطراف آن این اشعار درج است:

ای نام تو راحت دل و جان

سرمایه فرخت فراوان

هر سبزه که از زمین برآید

بر وحدت تو زیان گشاید

نامت چو مفرح القلوب است

فرخنده کسی که دل به تو بست

وی اضافه می‌کند که در زیر عنوان

مزبور، تاریخ انتشار و تفصیل قیمت و

اجرت پست به حساب سیاق معین شده و

قیمت یک نسخه اخبارنامه «۸ز» قید شده

است. معمولاً هر شماره آن در ۱۲ صفحه

چاپ می‌شده و مندرجات آن عبارت

از مقالات مختلف و اشعار و اخبار جهان

و اخبار هند و اخبار بندرکراچی بوده است.

در اینجا ما یک نمونه خبر از روزنامه

«مفرح القلوب» را به نقل از صدرهاشمی

می‌آوریم: «پیشاور ۲۱ دسامبر - منفذ عام

در میان علی مسجد و جمروود بسبب رهزنی

فرقه کوکی خیل بند شده بود مگر خبر بلچیان راه صاف کردند - حکمنامه به نام روسی حاکم ترکستان شرف صدور یافته است که سامان جنگ موجود و مهیا دارد».

به عقیده صدرهاشمی، متصدی یا مدیر نشر این روزنامه در زمانهای مختلف، تغییر کرده است. او اوایل آن را به مدیریت «محمد شفیع» و بعداً «میرزا محمد جعفر» و «میرزا محمد صادق مشهدی» کنسول ایران در کراچی ذکر کرده ولی مولانا فقط به «میرزا محمد جعفر» و «محمدصادق» اشاره کرده است.

از این روزنامه ما به هیچ نمونه و شماره‌ای از آن در کتابخانه مجلس دسترسی نیافتیم و موجود نیست.

- سیدالانبار

مولانا از این روزنامه تحت عنوان روزنامه‌های ملی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در خارج از کشور چاپ و در ایران توزیع می‌شده‌اند یاد می‌کند و مدیر آن را «سید آقا شیرازی» و دوره انتشارش را هفتگی و تاریخ تاسیس آن را ۱۸۸۹ و محل چاپ آن را حیدرآباد هند ذکر کرده ولی توضیح بیشتری درباره آن نداده است. در کتابخانه مجلس نیز هیچ شماره‌ای از آن وجود ندارد.

- شاهسون

روزنامه «شاهسون» در سال ۱۸۸۹ در قسطنطنیه، تأسیس و منتشر شده است و دوره انتشار آن ماهانه و سردبیر آن نیز «میرزا عبدالرحمن طالب اف» بوده است. مولانا

روزنامه «شاهسون» را جزو روزنامه‌های تبعیدی خارج از ایران در بین سالهای (۱۹۰۰ - ۱۸۷۵) ذکر کرده، ولی توضیح بیشتری درباره آن نداده است و ما نیز در کتابخانه مجلس به نمونه‌ای از آن دست نیافتیم.

- قانون

نخستین شماره روزنامه «قانون» در اول رجب ۱۳۰۷ برابر با ۲۱ فوریه ۱۸۹۰ با شعار «اتفاق - عدالت - ترقی» انتشار یافت و نشانی روزنامه، کمپانی انطباعات شرقی، شماره ۳۸ در لندن و آبونمان سالانه یک لیره انگلیسی اعلام شد. سرصفحه روزنامه در تمام مدت انتشار به نحو یکسان باقی ماند. لغت «قانون» با حروف درشت چاپ می‌شد که شعارهای سه‌گانه بلافاصله در ذیل آن قرار داشت، ولی از شماره دهم به بعد از «کمپانی انطباعات شرقی» ذکر می‌شد که میان نیامد و اشتراک از یک لیره به «فهم کافی» تغییر یافت، دو شماره بعد قیمت اشتراک مجدداً به «شرط آدمیت» مبدل شد که اشاره‌ای به مجمع آدمیت داشت که به صورت جانشین فراموشخانه پا به عرصه وجود گذاشته بود. در شماره بیست و سوم قیمت اشتراک بار دیگر «فهم کافی» شد ولی فقط در شماره بعد آبونمان بولی به مبلغ یک تومان برقرار شد. در شماره سی و چهارم «ملکم» ظاهراً نیاز به تغییر مجددی را احساس کرد و از خوانندگانش فقط «یک ذره شعوره» خواست. این فورمول جدید فقط در دو شماره باقی ماند و بعداً جای خود را به «رحمت ابلاغ آن به یک آدم دیگر» داد که

منظور یکی از اعضای مجمع آدمیت بوده است. احتمال می‌رود که قانون در تمام مدت انتشار به طور رایگان توزیع شده باشد زیرا ملکم بسیار مایل بود که مندرجات آن را حتی الامکان عده بیشتری بخوانند. (۳)

پروفسور «حامد الگار» ضمن رد ادعای «میرزا ملکم خان» مؤسس روزنامه «قانون» در این مورد که آن را یک موسسه دسته جمعی منتشر می‌سازد می‌گوید که «این موضوع که آیا اشخاص دیگری به غیر از میرزا آقاخان کرمانی هم به این خواست [درخواست برای استخدام منشی و مخبر] پاسخ داده باشند معلوم نیست، ولی آن چه محقق می‌باشد این است که هر کلمه «قانون» در حقیقت نوشته خود ملکم بود و تقاضا برای استخدام همکار نمی‌توانسته است جدی باشد... انتشار «قانون» در تمام مدت یک اقدام فردی بود که صرفاً به وسیله ملکم انجام می‌گرفت و هریک از شماره‌هایش در سبک مطالب، اصول و اصطلاحات نشانی کاملاً روشن از او و شباهت کاملی به مقالات مختلف وی داشت...» (۴)

خانم هما ناطق نیز می‌نویسد: «جامعیت مقالات اختر بیشتر از قانون است. انتقادات اختر بیشتر معطوف به نظام سیاسی ایران است و نه به افراد. همچنین اختر روزنامه بی طرف‌تر و بی غرض‌تر از قانون است... لیکن تأثیر و نفوذ قانون از اختر بیشتر بود و سبک ساده و کلمات تکراری و شعارگونه آن در برانگیختن افکار عمومی سهمی به سزا داشت.» (۵)

وی روزنامه «اختر» را پدر روزنامه «قانون» ذکر می‌کند و معتقد است که برای اولین بار «اختر» درباره فواید «قانون» مقالاتی انتشار داده است و اصولاً تحت تأثیر روزنامه «اختر» روزنامه‌هایی مانند «پرورس»، «ثریا»، «جبل‌المتین»، و «قانون» پدید آمده‌اند. وی می‌گوید که به نظر «برون»، جریده «اختر» آن چنان شهرت و نفوذی داشت که برخی خوانندگان آن را کفر می‌پنداشتند و خوانندگان اختر را «اختری مذهب» می‌گفتند! و اضافه می‌کند که شماره اول روزنامه «قانون» فقط در ۸ ورق منتشر شده و باقی همه چهارورقی هستند و تا شماره ۷ آن تاریخ‌گذاری شده و شماره‌های دیگر تاریخ ندارد و کاملترین مجموعه که تاکنون از روزنامه «قانون» به دست آمده است مجموعه «ادوارد براون» در «کمبریج» است که چهل و یک شماره بیشتر ندارد و مدت سه سال ونیم و به صورت ماهانه منتشر می‌شده است ولی در مجموعه «براون» نیز همان کمبودها دیده می‌شود که در سایر مجموعه‌ها و آن کمبود شماره‌های ۱۲ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ است. (۶)

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز مجموعه کامل روزنامه «قانون» موجود است ولی شماره‌های مذکور که خانم «ناطق» اشاره کرده است در آن وجود ندارد. خانم «ناطق»، سید جمال‌الدین اسدآبادی را از مهمترین همکاران ملکم در این روزنامه یاد می‌کند که در سفر دوم

خود به اروپا «درخانه میرزا ملکم خان و به عنوان میهمان او بسر می‌برد...» (۷)

به نظر وی قانون در «تبریز» نیز چاپ می‌شده است او می‌گوید: «از نظر ظاهر چاپ لندن با چاپ تبریز تفاوتی دارد. از جمله صفحه اول روزنامه لندن باعلامات و نشانهای فراماسونری تزئین شده است که در چهار گوشه صفحه جای گرفته و در این تزئینات از جمله پرگار و شاقول و کف پوش و پنجره شرق و چند علامت دیگر به چشم می‌خورد. در طرح بالای صفحه یکسان است و تزئین در گوشه پائین قدری متفاوت» (۸)

وی درباره هدف از انتشار این روزنامه توسط ملکم می‌نویسد: «شاید اگر ملکم را عزل نکرده بودند، و شاید اگر امتیاز «لاتاری» را لغو نمی‌کردند و القاب او را نمی‌گرفتند و خشم او را بر نمی‌انگیختند روزنامه قانون نیز هرگز موجود نمی‌آمد و ملکم تهدیدهای خود را به کار نمی‌بست. چه خود اندکی پس از معزولی به امین‌السلطان نوشت: «خلاصه رفیق جان، می‌بخشید جناب اشرف وزیراعظم! مطلب این است که باید همه این پیسی‌ها را که یک دفعه بر سر من درآوردید یک دفعه تلافی بفرمائید. مناصب و مقامهای دولتی را باید بهتر از سابق رونق بدهید...» (۹)

«پروفسور حامد الگار» نیز دلیل انتشار قانون و انتخاب کلمه «قانون» برای آن می‌نویسد: «از آن جا که تمام هم و غم ملکم به غیر از موضوع کسب قدرت و مال

در جهت اجرای اصلاحات مادی و لفاظی مذهب دوری زد لغت «قانون» بیش از همه مناسب حال به نظر می‌رسید و از همین رو نیز آن را عنوان روزنامه‌اش انتخاب کرد. (۱۰) وی اضافه می‌کند که «قانون» بیشتر یک نشریه تبلیغاتی فصلی بود تا یک روزنامه به معنای واقعی کلمه. مطالب روزنامه با حوادث روز زیاد رابطه نداشت و تا زمانی که فرد یا دولتی که مورد حمله قرار داشت در مقام خود باقی بود در هر شماره به مناسبتی و به نحو تازه‌ای آماج حمله و نکوهش قرار می‌گرفت...» (۱۱)

«ملکم» برای این که اعتقاد صحیح خود به مذهب را تأکید کند شماره نخست «قانون» را با «بسم‌الله» و دعایی به عربی و تقاضا از خداوند که روزنامه را وسیله راهنمایی معتقدان عدالت و راستی به صراط مستقیم درآورد آغاز می‌کند. پس از آن مقاله افتتاحی را این گونه شروع می‌کند: «مجمع کثیر از خلائق ایران به چندین سبب خود را از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده‌اند. در میان این مهاجرین متفرقه آن اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق می‌کنند سالها در این فکر بودند که آیا به چه تدبیری می‌توان به آن بیچاره‌گان که در ایران گرفتار مانده‌اند جزئی امدادی برسانند. پس از تفحص و تفکر زیاد براین عقیده متفق شدند که به جهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد.

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و قدرت روزنامه‌جات را درست

فهمیده‌اند در این چهار پنج سال بیک عزم مردانه افتادند به اطراف دنیا و به هر وسیله چه به اصرار چه بالتماس و چه به گدائی از دولتخواهان ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی و بعون الهی این روزها یک کمپانی معتبری ترتیب دادند به این عزم مبارک که از اطراف ایران به قدری که بتوانند روزنامه‌جات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده «قانون» است.» و سپس در ادامه مطلب را عوض می‌کند ولی بدون این که عنوانی به آن بدهد می‌نویسد: «ایران مملو از نعمات خداداد است چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سر تپ معزول می‌کنیم بدون قانون، حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون، خزانه می‌بخشیم بدون قانون. شکم پاره می‌کنیم بدون قانون...»

حملات و انتقادات مؤید «ملکم خان ناظم‌الدوله» از همان شماره اول روزنامه «قانون» و صحبت از در واقع «مجلس» و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او باعث شد که ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را به ایران قدغن کند ولی کسانی که از دست دربار استبداد ناراضی بودند این روزنامه را به هر طریقی که بود تهیه می‌کردند و درمجامع مخفی برای دوستان و هم مسلکان خود می‌خواندند. در یکی از این انجمن‌ها وقتی که به ناصرالدین شاه خبر دادند او

در سال ۱۳۰۹ هـ ق برابر با ۱۸۹۱ میلادی به تأسیس آن همت گماشته است. صدرهاشمی به نقل از «ادوارد براون» می‌نویسد که هر نمره آن در هشت صفحه و به قطع ۱۷/۵ در ۱۱/۵ اینچ طبع شده و وجه اشتراک آن در بمبئی ۱۵ قران، در هندوستان و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران و در سایر شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران بوده است.

از روزنامه «کوکب ناصری» هیچ شماره و نمونه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به دست نیاموردیم و منابع فارسی نیز اطلاعات بیشتری درباره این روزنامه ثبت نکرده‌اند.

□ یادداشتها:

- (۱) - مولانا، دکتر حمید، «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران». تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، صفحه ۲-۹۱.
- (۲) - صدرهاشمی، محمد، «تاریخ جراید و مجلات ایران». اصفهان: کمال چاپ دوم، ۱۳۶۳ جلد اول، صفحه ۱۳۹-۱۴۰.
- (۳) - الگار، پروفیسور حامد، «پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان - میرزا ملکم خان». مترجم: مرتضی عظیمی، تهران: انتشار، ۱۳۶۹: صفحه ۳۰۰.
- (۴) - الگار، همان، صفحه ۲۰۲.
- (۵) - ناطق، هما، «روزنامه قانون - میرزا ملکم خان». تهران: امیرکبیر، ۲۵۲۳، صفحه ۴.
- (۶) - ناطق، همان، صفحه ۴.
- (۷) و (۸) - ناطق، همان، صفحه ۵.
- (۹) - ناطق، همان، صفحه ۱۲.
- (۱۰) و (۱۱) - الگار، همان، صفحه ۲۰۰ و صفحه ۲۰۱.
- (۱۲) - ناطق، همان، صفحه ۱۱-۱۰.
- (۱۳) - برون، ادوارد، همان، جلد دوم، صفحه ۶۵.

بلافاصله دستور محاصره و غارت آنجا را داد و افرادش را که بالغ بر دوازده نفر ذکر شد، دستگیر کردند که از جمله دستگیرشدگان «حاج سیاح محلاتی» بود و «میرزا رضای کرمانی» نیز به خاطر همین روزنامه دستگیر شد که شرح محاکمه او را «حاج سیاح» آورده است. (۱۲)

- التودد

«اردوارد برون» در ذیل روزنامه «التودد» شرح زیر را آورده است: «روزنامه التودد به مدیریت شیخ ابونظاره درپاریس به چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و فرانسه در سال ۱۸۹۱ میلادی مطابق ۹-۱۳۰۸ قمری منتشر شده است. شیخ ابونظاره یکی از مصریان سیاسی است که به پاریس تبعید شده و قبلاً روزنامه به همین نام به زبان عربی و کمیک با چاپ سنگی منتشر می‌نموده است. قسمت فارسی روزنامه به وسیله «شیخ محمد یسرخانی» ملقب به «شیخ‌الملک» تهیه و نوشته شده. (۱۳)

از این روزنامه نیز هیچ نسخه‌ای در کتابخانه مجلس وجود ندارد و منابع فارسی توضیح بیشتری درباره آن نداده‌اند و نیز به همین مختصر درباره آن اکتفا می‌کنیم.

- کوکب ناصری

روزنامه «کوکب ناصری» در بمبئی هند به طور هفتگی و با چاپ سنگی وبه خط نستعلیق منتشر می‌شده است. مدیر آن «میرزا مصطفی شیخ‌الاسلام بهبهانی» بوده که